

حقیقت جہاد

در کتاب اسلام

تألیف:

آیت اللہ حاج شیخ شہاب الدین اسحاقی رحمۃ اللہ علیہ

بازنگری و تحقیق تحت اشراف

حجۃ الاسلام والمسلمین مرتضیٰ اشراقی

سرشناسه	اشراقی، شهاب‌الدین، ۱۳۰۴ - ۱۳۶۰.
عنوان و نام پدیدآور	حقیقت جهاد در مکتب اسلام / شهاب‌الدین اشراقی؛ نظارت مرتضی اشراقی.
مشخصات نشر	تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س)، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	۳۸۷ ص.
شابک	978 - 964 - 212 - 300 - 1
وضعیت فهرست‌نویسی	فیا
یادداشت	کتابنامه: ص. ۳۸۳ - ۳۸۷؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	جهاد / جهاد - تاریخ.
شناسه افزوده	اشراقی، مرتضی، ۱۳۵۶ -، نظارت / صابریان، محمدجواد؛ اسدی طوسی، فخرالدین، تحقیق / مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س)، دفترم. مؤسسه چاپ و نشر عروج.
رده‌بندی کنکره	۷ ج ۵ الف / ۱۹۶ / ۱ BP
رده‌بندی دیویی	۲۹۷ / ۳۷۷
شماره کتابشناسی ملی	۳۱۶۰۰۴۰

کد / م ۲۸۳۹



حقیقت جهاد در مکتب اسلام

تألیف: آیت‌الله شهاب‌الدین اشراقی

تحقیق: محمدجواد صابریان، فخرالدین اسدی طوسی

ناشر: چاپ و نشر عروج (وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س))

چاپ اول: ۱۳۹۲ / ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۹۰۰۰ تومان

• خیابان انقلاب، بین ۱۲ فروردین و فخررازی، فروشگاه مرکزی، تلفن: ۶۶۴۰۴۸۷۳ - دورنگار: ۶۶۴۰۰۹۱۵

• خیابان انقلاب، تقاطع حافظ، فروشگاه شماره ۱، تلفن: ۶۶۷۰۱۲۹۷

• مراکز پخش: • خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهدای زاندارمری، فروشگاه شماره ۲، تلفن: ۶۶۹۵۵۷۳۷

• حرم مطهر حضرت امام خمینی(س)، ضلع شمالی، فروشگاه شماره ۳، تلفن: ۵۵۲۰۳۸۰۱

• کلیه نمایندگیهای فروش در استانها

نشانی الکترونیکی: pub@imam-khomeini.ir

فهرست مطالب

۱۵	پیشگفتار
۱۹	مقدمه
۲۰	نعمت اسلام
۲۰	تحریک عواطف انسانی
۲۱	اسلام و تحولی عظیم
۲۲	نمونه‌های تاریخی
۲۳	ایثار و از خودگذشتگی
۲۴	شهر فسطاط
۲۵	توجه اسلام به حیوانات
۲۵	حرمت صید در حال احرام
۳۰	شیوه رفتار با حیوانات

حقیقت جهاد در اسلام

۳۷

۳۷	مفهوم جهاد
۴۰	نتیجه

۴۱	جهاد، دروازه خوشبختی
۴۱	حرمت قتل نفس
۴۲	ضرورت تقیه
۴۴	حرمت سقط جنین
۴۵	احترام جان انسان
۴۷	احترام اسلام به جان غیرمسلمان
۴۸	تحمیلی نبودن اسلام
۴۹	رفتار اسلام با اهل کتاب
۵۰	حقانیت پیامبر نزد اهل کتاب
۵۱	شیوه برخورد پیامبر با اهل کتاب
۵۳	برخورد پرعاطفه
۵۴	احترام جان و مال و آبرو
۵۶	حفظ خون اهل کتاب

فلسفه جهاد

۶۰

۶۱	جهاد و سودای جان
۶۷	اقسام کفار
۶۸	اسلام و اهل کتاب
۷۰	فلسفه فرمان جنگ در یک آیه قرآن
۷۲	رفتار محبت آمیز اسلام با اهل کتاب
۷۳	نمونه اول

۷۵	نمونه دوم
۷۵	نمونه سوم
۷۷	کلمات فقها
۸۲	فلسفه جزیه
۸۴	شرایط ذمه
۸۷	دیگر شرایط ذمه
۸۹	رفتار پیامبر با اهل کتاب
۹۲	رعایت اصول اخلاق در جنگ
۹۴	نبرد با مشرکان
۹۴	جنايات مشرکان

بررسی تاریخ

۹۶

۹۶	ورقة بن نوفل کیست؟
۹۷	خدیدجہ، محمد ﷺ را می آزماید
۱۰۰	اسلام علی علیہ السلام
۱۰۵	اسلام ابوذر غفاری
۱۰۷	نقش جوانان در انتشار اسلام
۱۰۸	دیگر پیروان اسلام
۱۰۹	اولین دستور العمل دینی
۱۱۲	قرآن در دوره اختفا

آغاز دعوت آشکار

۱۱۳

- ۱۱۴..... اعلان دعوت عمومی
- ۱۱۵..... عکس العمل مردم
- ۱۱۶..... آیه انذار
- ۱۱۸..... تشکیل جلسه
- ۱۲۰..... سخنان پیامبر ﷺ با علی علیہ السلام
- ۱۲۳..... انذار همگان در کنار کوه صفا
- ۱۲۷..... نتیجه

تفسیر روشن پیامبر ﷺ

۱۲۹

- ۱۳۰..... به سوی ابوطالب
- ۱۳۰..... در خانه ابوطالب
- ۱۳۱..... گریه رسول الله ﷺ
- ۱۳۲..... باز هم گفتگو درباره محمد ﷺ
- ۱۳۴..... دیدار دسته جمعی
- ۱۳۶..... آخرین پیشنهاد یا شرم آورترین آن‌ها
- ۱۳۸..... پاسخ ابوطالب

مبارزه مستقیم

۱۴۰

۱۴۰	عملکرد جدید مشرکان
۱۴۲	پیشنهادهای شاخ دار
۱۴۲	حضور پیغمبر ﷺ
۱۴۳	باز هم بهانه
۱۴۵	ادامهٔ شیطنت‌ها
۱۴۶	اوج دشمنی
۱۵۱	نقشه‌ای ماهرانه
۱۵۳	مشورت بزرگان
۱۵۴	ملاقات دو نفری
۱۵۶	نقشهٔ شوم و ماهرانه
۱۵۹	عاقبت ولید
۱۶۱	تمسک به داستان‌های کهن
۱۶۴	فطرت پاک انسانی
۱۶۶	گفتار عتبه بن ربیعہ
۱۷۱	امراض روحی
۱۷۲	کج دهنی به قرآن کریم
۱۷۴	دیدار اخنس و ابوسفیان
۱۷۶	اتحاد قریش
۱۷۷	رفتار مشرکان با مسلمانان

۱۷۷.....	بلال حبشی
۱۷۸.....	عمّار یاسر
۱۸۰.....	عبدالله بن مسعود
۱۸۱.....	رفتار عمر با خواهر و داماد خود
۱۸۴.....	عثمان بن مظعون

مهاجرت به حبشه

۱۸۹

۱۸۹.....	علت هجرت به حبشه
۱۹۱.....	نخستین مهاجران
۱۹۳.....	در تعقیب مسلمانان
۱۹۴.....	حضور دو فرستاده در دربار
۱۹۶.....	مسلمانان در حضور امپراطور حبشه
۱۹۸.....	افشای حقایق
۲۰۰.....	شیطنت دوباره عمرو عاص

آخرین تصمیم

۲۰۲

۲۰۳.....	تدبیر ابوطالب
۲۰۴.....	تصمیم ناجوانمردانه دیگر
۲۰۷.....	تأثر دشمن

۲۰۸	در جستجوی نفر سوم
۲۱۰	در جستجوی چهارمین نفر
۲۱۱	پنجمین نفر
۲۱۱	هیئت پنج نفری
۲۱۲	اجرای نقشه
۲۱۳	امداد غیبی
۲۱۶	بازگشت مسلمانان به شهر
۲۱۶	رحلت دو حامی محمد ﷺ
۲۱۷	لجاجت‌های دوباره قریش
۲۱۸	اولین مسلمانان یشرب و بیعت اول
۲۱۹	پیمان عقبه دوم
۲۲۱	سخنرانی رسول خدا ﷺ
۲۲۲	شورای شیطانی

ورود پیغمبر ﷺ به مدینه

۲۲۸

۲۳۰	اسکان پیامبر ﷺ
۲۳۰	گسترش اسلام
۲۳۲	بازبینی رفتار مکیان
۲۳۶	تنها راه علاج
۲۳۸	رأفت دوباره پیغمبر ﷺ
۲۳۹	شاهد تاریخی

جنگ بدر

۲۴۳

- ۲۴۶ آمادگی قریش برای نبرد
- ۲۵۴ مروری بر اسباب شکل گیری جنگ بدر
- ۲۵۵ وقایع جنگ بدر
- ۲۵۶ قداست هدف

آشوب طلبی قریش

۲۵۸

- ۲۶۰ نقشه قتل نبی اکرم ﷺ
- ۲۶۴ فتنه ای دیگر

جنگ احد

۲۶۷

- ۲۶۸ لشکرکشی قریش
- ۲۷۰ عملکرد ابوسفیان
- ۲۷۱ تصمیم پیامبر ﷺ
- ۲۷۵ آغاز جنگ
- ۲۷۸ حنظلة غسيل الملائكة
- ۲۷۹ علل شکست مسلمانان
- ۲۸۶ شجاعت علی علیه السلام در جنگ احد

آرامش جنگ	۲۹۱
-----------------	-----

بازگشت به مدینه

۲۹۲

فتنه گری ابوسفیان	۲۹۲
اسلام و اصول اخلاقی	۲۹۴
مشرکان و ردالتی دیگر	۲۹۴

اصول جنگ در اسلام

۲۹۷

اصل اول	۲۹۷
اصل دوم	۳۰۰
اصل سوم	۳۰۱
اصل چهارم	۳۰۲
اصل پنجم	۳۰۳
میدان جنگ یا کلاس درس	۳۰۴
شرایط جنگ	۳۰۴
دستورات پیش از جنگ	۳۰۷
رفتار با اسیر	۳۰۸
جنگ و اعتدال	۳۱۰
بهره برداری از جنگ ها	۳۱۵
دنای امروز و جنگ	۳۱۵

بهره‌برداری اسلام از جنگ ۳۱۷

فتح مکّه

۳۱۸

- صلح حدیبیه ۳۲۰
- مواد صلح‌نامه ۳۲۱
- نزاع خزاعه و بنو بکر ۳۲۳
- آگاهی رسول الله ﷺ ۳۲۴
- تکاپوی ابوسفیان ۳۲۵
- مقدمات فتح مکّه ۳۲۸
- اسلام ابوسفیان و عبدالله بن امیه ۳۲۹
- تدبیر عباس ۳۳۰
- بزرگواری محمد ﷺ ۳۳۴
- سیاست پیغمبر ﷺ ۳۳۵
- بازگشت ابوسفیان به مکّه ۳۳۶
- ورود مسلمانان به مکّه ۳۳۸
- پناهندگان به ام‌هانی ۳۴۰
- ورود به خانه خدا ۳۴۲
- آزادی همه ۳۴۴
- فهرست‌ها ۳۴۷

بسمت کے

پیشکش

مکتوب حاضر یکی دیگر از آثار ارزشمند والد معظم حضرت آیت الله حاج شیخ شهاب الدین اشراقی رحمۃ اللہ علیہ است کہ در زمان حیات ایشان منتشر نشده است. در این کتاب، با نگرشی نوبہ موضوع اساسی جهاد در مکتب اسلام، مباحث مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است.

از جای جای این تالیف ارزشمند برمی آید کہ والد معظم رحمۃ اللہ علیہ در صدد پاسخ گویی بہ شبہات مستشرقان و خاورشناسان پیرامون این موضوع اساسی و تبیین این حقیقت بودند کہ جهاد، سرچشمہ و مادۂ اصل پیدایش جویبار خون های مسلمانان برای پرورش و سیراب نمودن درخت توحید، شرف، عزت، مجد، عظمت و بالاخرہ انسانیت است. و نیز بیان می دارند کہ جهاد، راه سیر آدمیت و موجب زندہ شدن انسان ها و ضامن استقلال و کلید سعادت و راه انسانیت و رمز ہمہ موفقیت ها است. و تنها جهاد است کہ می تواند کثافات شرک و اوهام و خرافات را ازالہ نماید.

بنابراین جهاد برای کشورگشایی و خون آشامی نیست؛ بلکہ جهاد، برای خدا و در راه خدا و راه پیدا کردن فضیلت و کلید نیک بختی ها و رمز استقلال و عظمت و مجد مملکت های اسلامی و برای صاف نمودن هوای ممالک اسلامی از کثافات

شبهوات و خرافات و میکروب‌ها و انگل‌های اجتماعی است^(۱).

مؤلف عالی قدر در ابتدا با تبیین این حقیقت که اسلام دین رحمت و رأفت است به نکاتی پیرامون این حقیقت اشاره نموده و بیان می‌دارد که اسلام حتی نسبت به حیوانات نیز به نظر رحمت نگریسته و مطالب شگفتی را با اشاره به روایات ائمه معصومین علیهم‌السلام مطرح می‌نماید و در ادامه با استناد به تاریخ حیات رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآل‌ه‌وسلم‌و... تا فتح مکه با قلمی عالمانه و شیوا که در نوع خود کم‌نظیر و جالب توجه است، ضمن اشاره به این حقیقت که هدف از بیان این‌گونه مطالب داستان‌سرایی و تاریخ‌نگاری نیست، می‌فرماید:

«ما در مقام داستان‌سرایی نیستیم، بلکه در پی آن هستیم که ریشه‌ای که چرا قرآن جنگ با مشرکان را تجویز کرده بیان کنیم^(۲)».

منظور از این گفتارها، ذکر تاریخ نیست، مکرر گفته‌ایم که مقصود از ذکر این وقایع، این است که بگوییم راهی که حاتم الانبیا علیه‌السلام درباره مشرکان پیمودند، چاره منحصر به فرد است. از این جهت، در اختیار می‌کشیم و زیاد پرده جنایات از خدایی خبران را بالا نمی‌زنیم^(۳).

ما در صدد آنیم که بگوییم: با اینکه عقل سلیم، کشتن مشرکان مکه را روامی داند و اگر مسلمانان برای جنگ با اینان مهیا شوند، حتماً راه صواب پیموده‌اند، بلکه رفع این میکروب‌های خطرناک برای صحت مزاج اجتماع هرچه زودتر لازم است، مع ذلک مدعی هستیم که اساس جنگ‌هایی که بر علیه مشرکان

۱. صفحه ۶۵ و ۶۶.

۲. صفحه ۱۲۸.

۳. صفحه ۱۴۰.

صورت گرفت، از خود ایشان شروع شد^(۱).

در مباحث پایانی به اصول جنگ در اسلام اشاره شده و بیان می شود که اسلام حتی با مشرکانی که بی اندازه به درخت آزادی آسیب می رساندند سر جنگ ندارد و اگر هم اسلام، لباس جنگ را پوشیده است، بیشتر جنبه دفاعی و حفظ کیان دین را داشته است.

اسلام دین کشورگشایی نیست، بلکه دین تسخیر دل ها و کشورهای انسانیت است و هدف آن، رهبری مردم برای رسیدن به جهان آزادگی و آدمیت است. اسلام با هر نوع حکومتی که با اساس اسلام مبارزه نداشت و کلمه توحید را می پذیرفت، سازش داشت و حتی المقدور از جنگ و غلبه پرهیز می نمود.

همچنین به آفات جنگ های خارج از محدوده اسلام اشاره شده و تذکر داده شده است که جنگ های خارج از فرامین سعادت بخش اسلام دنیا را به عقب برگردانده و ویرانی ها و جنایات را به بار می آورد و این جنگ ها در اثر سببیت عده ای نابکار و گریگ صفت دیگر که روحشان دستخوش امواج شهوات و طمع کاری ها است پدید می آید.

از قرائن معلوم می گردد که این مبحث ناتمام مانده و والد معظم علیه السلام بنا داشتند که مباحثی از این قبیل را طی مجلدات دیگر بررسی نمایند، لذا وعده تألیف جلد دوم این اثر تحت عنوان «زنان و اسلام» را داده اند که متأسفانه این وعده عملی نشده است.

والد معظم علیه السلام در ذیل نوشته های خود متنی را مرقوم داشته اند که: «تاریخ ورود حضرت آیت الله العظمی الخمینی ابوالزوجه محترم به قم بعد از ۱۰ ماه زندانی

بودن شب یکشنبه ۴۳/۱/۱۵ مطابق با ۲۲ ذی القعدة ۱۳۸۳^(۱) که حکایت از تاریخ نگارش این کتاب است.

این اثر در ابتداء تحت عنوان کلی «دانستنی‌هایی از اسلام» قرار گرفته بود که با ناتمام ماندن موضوعات مورد نظر والد معظم^{علیه السلام}، تحت عنوان «حقیقت جهاد در مکتب اسلام» جهت استفاده دانش دوستان و فرهیختگان به زیور طبع آراسته گردید.

در این طبع، علاوه بر ویرایش و تحقیق متن و استخراج مصادر و فهارس فنی، موضوعات متنوعی در پاوری اضافه شده که برای تکمیل مطالب ضروری به نظر می‌رسید.

در پایان از کلیه عزیزانی که در به ثمر رسیدن این اثر مرایاری نمودند خصوصاً جناب حجة الاسلام والمسلمین محمد جواد صابریان و همکار محترم ایشان جناب حجة الاسلام والمسلمین فخرالدین اسدی طوسی تشکر می‌نمایم.

حوزه علمیه قم

مرتضی اشراقی

بهار ۱۳۹۲

مقدمه

نیروهای امدادی برای پرورش انسان، بسیار بلکه بی نهایت است؛ زیرا انسان موجودی غیرمتناهی و مظهر اسماء و صفات ذات اقدس الهی است.

به عبارت دیگر: بشر، عرش نشین است نه خاک نشین و از این خاک دان هرآینه به جاودان ربوبی پرواز خواهد کرد. این گونه جهش ها، میلیون ها نیروی پرواز دهنده لازم دارد.

شاید جمله حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در ابتدای خطبه ای که در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله، پیرامون فدک بیان نموده و می فرماید:

«مِنْ عُمُومٍ نِعَمٍ ابْتَدَأَهَا وَسُبُوعٍ آلَاءٍ أَسَدَاهَا وَتَمَامٍ مِنْ أَوْلَاهَا»^(۱).

اشاره به همین بیان باشد که امدادهای نیروبخش انسانی، بی دریغ و نامحدود است.

باری، این رشته سر دراز دارد؛ فقط باید دانست که آدم، یک متر و چند سانتی متر قد و یک سر و دو دست و دو پا نیست، بلکه بسیار گران بها است؛ زیرا تمام قوای تولیدی جهان بزرگ، صرف پرورش او می شود.

۱. از نعمت های فراگیری که شروع به آفرینش آن ها کرد و گستردگی و فراوانی نعمت هایی که عطا کرده است و تمام

نعمت های گرانقدری که بذل کرده است. *الاحتجاج*: ۱۳۲/۱؛ *بحار الأنوار*: ۲۲۰/۲۹، حدیث ۸.

پارچه از آن جهت دارای قیمت می شود که تمام دستگاه های کارخانه ریسندگی ، صرف تولید آن می شود . حال اگر تمام کارگاه های هستی برای پیدایش انسان کار کند ، آن وقت می توان با مقایسه ای ساده ، او را ارزیابی کرد .

نعمت اسلام

بزرگ ترین قوایی که در تربیت انسان ، دخالت همه جانبه و تمام و تمام دارد ، اسلام است .

به عبارت ساده تر : دانشگاه اسلام ، کارخانه آدم سازی است که در آن مدل هایی با تحلیل تار و پود آدمی و با تشکیل بافت ها و نسوج انسانیت ، براساس متدهای کامل و اساسی اسلام انجام می پذیرد .

به گفته یکی از نکته سنجان : اسلام و انسانیت به منزله ماده و صورت بشر است « و شیئة الشیء بصورته النوعية » (۱) .

حقیقتاً این سخن ، کلامی به جا است .

تحریک عواطف انسانی

از باب مثال : یکی از تعالیم مقدس اسلام ، تحریک عواطف در انسان است . اسلام می کوشد تا مردم را با عاطفه و دارای احساسات پاک شری پروراند .

پیغمبر بزرگ اسلام ﷺ در مجلسی ، یکی از فرزندان خود را زیاد نوازش می فرمود و می بوسید . مردی که حضور داشت عرض کرد : یا رسول الله ، فرزندت را زیاد می بوسی ، من بچه ای دارم که تابه حال او را نبوسیده ام .

مجلس رو به تلخی گذاشت و سکوت بر همه جای آن مستولی گشت. مرد از مجلس بیرون رفت، پیغمبر ﷺ فرمود: «این مرد اهل آتش است»^(۱).

این یک نمونه از میزان ارزش عاطفه در دین مقدس اسلام است.

حال اگر این غریزه آسمانی از آدم گرفته شود و این تعلیم پر قیمت دین، کنار رود و آدمی با خوی بی عاطفگی و درندگی تربیت شود، آیا انسان است؟ نه! انسانی درنده است که از گرگ درنده پلیدتر است.

ملاحظه می فرمایید که اگر این خصلتی که دین به تقویت آن توجه دارد، از بشر گرفته شود، بدتر از سبع است، نایچه رسد به سایر قوای نامتناهی.

از این جا پی می بریم که دین، کارخانه آدم سازی است.

یادگارهایی که از اسلام در پرورش انسان ها به جا مانده، خود شاهد بزرگ ما است.

اسلام و تحولی عظیم

بهترین گواه ما، شکل گیری تحولی بزرگ، دامنه دار و مدتی کم - یعنی ۲۳ سال - است.

برای درک این مطلب، باید مردم پیش از بعثت پیغمبر اسلام ﷺ و بعد از آن را در نظر گرفت تا مطلب واضح گردد. مردم در آن زمان «وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ»^(۲) بودند، ولی ناگهان محیط درندگی، خون خواری، قلدری، استعمار، هرزگی، ریا خواری، دروغ و پرده دری، بی عاطفگی - که نمونه بارزش،

۱. وسائل الشیعة: ۴۸۴/۲۱ - ۴۸۵، باب ۸۹.

۲. و بر لب گودالی از آتش بودید. آل عمران (۳): ۱۰۳.

زنده به گور کردن دخترها بوده - جهل و خرافه ، حکومت اوهام ، وساوس ، عصبیت ها و زورگویی ها عوض شد و جای خود را به محیطی بسیار ارزنده و مردمی تمام عیار در شرافت و انسانیت داد .

به جای خون خواری ، ملایمت و برادر پروری و به جای قلدری و هرزگی ، توجه به خواسته های مردم و شرافت خواهی و عفت و به جای رباخواری ، امداد و کمک به بی بضاعتان و ایثار برای حفظ جان دیگران ، به میان آمد .

بی عاطفگی ها رخت بریست و موج عواطف در محیط های خانوادگی حکم فرما شد ، تا جایی که در مقابل آن بی رحمی که درباره زیباپیکران معصوم و آن غنچه های نشکفته پرپر شده و آن گونه های ویاتر از گلی که بی گناه ، درون خاک ها پنهان می گردید ، نبی اکرم ﷺ دست دختر خود را می بوسید و جمله «فِداها أبوها»^(۱) را مکرر بر زبان می آورد .

به راستی در مدتی کم ، تحوّل همه جانبه جمعیتی که به همه کثافات مادی و روحی آغشته است ، جز معجزه و قدرت لایزال اسلام ، منشأ دیگری نمی تواند داشته باشد .

نمونه های تاریخی

اینک برای نمونه ، چند شاهد تاریخی از مظاهر انسانیتی که مولود دین بزرگ اسلام است و مکتب اسلام موجب پرورش این گونه نمونه های بارز شرافت و انسانیت گشته نقل می کنیم ، تا با مقایسه آن با روش گذشتگان قبل از اسلام ، مطلب واضح تر گردد .

۱. پدرش فدایش باد. الأمالی «صدوق»؛ ۳۰۵، حدیث ۳۴۸؛ المناقب؛ ۱/۲۱۱؛ بحار الأنوار؛ ۲۰/۴۳، حدیث ۷.

ایثار و از خود گذشتگی

یکی از صفاتی که نمونه کمال انسانیت، و بارزترین نمونه پیرای آدمیت است، گذشت و دیگران را بر خود مقدم داشتن و خود را پایمال عظمت و حفظ حیات و سیادت و وقار آنان کردن است. گاه از این امر تعبیر به ایثار می شود و گاهی به فداکاری و از خود گذشتگی.

اسلام، این روح را در مردم مسلمان تزریق می کند که نمونه های زیادی از این خوی ملکوتی، در عملکرد مسلمانان به چشم می خورد.

گذشت، برای حفظ حیات دیگران و سعادت مندی و خوشبختی مردم، فصل تازه ای در اسلام پیدا کرده که از آن به جهاد مقدس تعبیر می شود.

جهاد در اسلام، نه برای خونریزی و راندن توبس قدرت در کشورها؛ بلکه برای پیدایش روح انسانیت در وجود جهانیان است.

اسلام، جهاد می کرد تا دیگران را خوشبخت کند.

مسلمانان با اکتفا به یک خرما در شبانه روز، می جنگیدند و از کنار نورچشمان خود جدا شده و به معرکه جنگ و گردش گاه شمشیرها قدم می نهادند، تا مردم را از بدبختی و فلاکت جهل و وهم و عقب ماندگی و دره دری نجات دهند^(۱).

به قدری روحیه حفظ دیگران در مسلمانان قوی شد، که حتی برای حفظ جان ولانه حیوانات و پرندگان، نقطه های درخشنده ای در تاریخ اسلام جلوه گری می کند^(۲).

۱. این مطلب فصل جداگانه ای می طلبد که به آن خواهیم پرداخت.

۲. شیوه برخورد با حیوانات نیز فصل جداگانه ای دارد که باید بعداً پیرامون آن نیز دانستی هایی را به تفصیل بیان کنیم.

شهر فسطاط

شهر فسطاط نمونه‌ای از این روح عاطفه است که نشان می‌دهد اسلام، پیروان خود را تا چه اندازه نسبت به همه موجودات، رثوف و مهربان تربیت می‌نماید. به گفته «جرجی زیدان» و دیگران، فسطاط، شهری مانند مصر و در نزدیکی قاهره فعلی است و داستان تسمیه آن این است که زمانی که لشکر اسلام عازم فتح اسکندریه شد، برای فتح قلعه بابل در نزدیکی آن حصن، لشکرگاهی داشته و خیمه‌هایی برپا کرده بود. بعد از فتح این قلعه، دستور کردند خیمه‌ها از طرف امیر لشکر صادر شد. خیمه‌ها از جا کنده شد تا نوبت به خیمه «عمرو عاص» که امیر لشکر بود رسید که ناگاه دیدند کبوتری در آن آشیانه گرفته و جوجه‌هایی آورده است. خبر به «عمرو عاص» رسید. دستور داد خیمه بر جای خود باقی بماند تا آشیانه مرغی درهم نریزد^(۱).

این خیمه باقی ماند و پس از آن، شهری در آنجا به نام «فسطاط» بنا گردید. این شهر، یادگار موج عواطف انسانی، نمونه‌ای از طرز تربیت اسلام و بارقه‌ای از لهیبتند عواطف گرم مسلمانان است.

بی‌مناسبت نیست در این مجال، گوشه‌ای از طرف‌داری اسلام از حیوانات را ذکر کنیم تا طرف‌داران حیوانات بدانند که اسلام هزار و چهارصد سال قبل، در این باره چگونه فکر کرده و مستشرقان^(۲) بفهمند که اسلام، براساس خون‌ریزی

۱. جرجی زیدان: ۱۷۵/۲؛ روایات تاریخ الاسلام «مؤلفات جرجی زیدان»: ۶۸۲/۱ - ۶۸۳.

۲. مستشرقان و یا خاورشناسان گروهی از دانشمندان غربی هستند که تحقیقاتی پیرامون شرق و فرهنگ آن به

و جنگ، پایه گذاری نشده است.

دینی که نسبت به حیوان این گونه تعلیم می دهد، چگونه ممکن است نسبت به انسان ها - آن آدمیانی که سرطان دردناکی برای اجتماع نیستند - سفک و قتل و خانه براندازی را تجویز کند؟!

توجه اسلام به حیوانات

حرمت صید در حال احرام

یکی از محرمات در دستورات حج - که بزرگترین مؤثر اسلامی است - صید حیوانات در حال احرام است. به قدری اسلام نسبت به این موضوع اهمیت داده که اگر کسی دچار صید حیوانی گردد - چه از حیوانات صغار باشد چه کبار، چه طیور باشد چه غیر آن - کفاره و عقوبت دارد.

عمل می آورند، خاورشناسی (orientalism) به عنوان علمی مخصوص رشته ای تخصصی در دانشگاه های اروپا مطرح است و در باره زبان و علم و ادب ملل خاور بحث می کند. اسلام شناسی شعبه خاصی از این رشته است که مستشرقان تحقیقات فراوانی پیرامون آن انجام داده اند.

مستشرقان و خاورشناسان که در رشته اسلام شناسی فعالیت دارند به سه گروه تقسیم می شوند:

۱. مسترقانی که با مسائل اسلام مغرضانه برخورد نموده و اسلام را ناقص می دانند که بسیاری از مستشرقان از این گروهند.

۲. گروهی معتدل و با انصافند و در مسائل علمی و تحقیقاتی متعصبانه برخورد نمی کنند.

۳. عده محدودی از مستشرقان که اسلام را تحسین نموده و تألیفاتی پیرامون آن دارند همچون

«گوستالوبون» و «نیکلسن».

با وجود آنکه در میان مستشرقان، دانشمندان منصفی نیز وجود دارد ولی اکثر آنها اغراض سیاسی و کینه های تعصبی خالی از تفکر را دنبال نموده و مسائل اسلام را مغرضانه مطرح نموده اند و اشتباهات فراوانی در زمینه اسلام و شیعه در آثار آنها دیده می شود لذا آثار آنان نیاز به بررسی و تحقیق و آراء آنها محتاج نقادی و دقت است.

حتی در بعضی روایات، برای صید بعضی حیوانات، در طول سایر کفارات، کفاره اطعام شصت مسکین تعیین شده است (۱).

در پاره‌ای از روایات به قدری به این موضوع اهمیت داده شده که با وجود اینکه از بعضی جزاها در مورد مُحَرَّم، در حال جهل و خطا، صرف‌نظر شده، اما درباره عقوبت صید و قتل حیوانات، حتی در حال خطا و جهل نیز گذشت نشده است (۲).

۱. قَالَ الْجَوَاهِرُ إِنَّ الْمُحَرَّمَ إِذَا قَتَلَ صَيْدًا فِي الْجَلِّ وَ كَانَ الصَّيْدُ مِنْ ذَوَاتِ الطَّيْرِ مِنْ كِبَارِهِ فَعَلَيْهِ شَاةٌ فَإِنْ أَصَابَهُ فِي الْحَرَمِ فَعَلَيْهِ الْجَزَاءُ مُضَاعَفًا وَإِنْ قَتَلَ فَرَحًا فِي الْجَلِّ فَعَلَيْهِ حَتْلٌ قَدْ فُطِمَ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ الْقِيَمَةُ لِأَنَّهُ لَيْسَ فِي الْحَرَمِ وَ إِنْ كَانَ مِنَ الْوَحْشِ فَعَلَيْهِ فِي جِمَارٍ وَحْشٌ بَدَنَةٌ وَ كَذَلِكَ فِي الشَّعَامَةِ بَدَنَةٌ فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ قَاطِعًا سَبْتَيْنِ مَسْكِينًا فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ فَلْيَضْمِ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ يَوْمًا فَإِنْ كَانَ بَقَرَةً فَعَلَيْهِ بَقَرَةٌ فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ فَلْيُطْعِمْ ثَلَاثِينَ مَسْكِينًا فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ فَلْيُطْعِمْ بِسَعَةِ أَيَّامٍ وَ إِنْ كَانَ ظَبْيًا فَعَلَيْهِ شَاةٌ فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ فَلْيُطْعِمْ عَشْرَةَ مَسَاكِينَ فَإِنْ لَمْ يَجِدْ فَلْيَضْمِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَ إِنْ أَصَابَهُ فِي الْحَرَمِ فَعَلَيْهِ الْجَزَاءُ مُضَاعَفًا ﴿ هَدْيًا بَالِغَ الْكَعْبَةِ ﴾ حَقًّا وَاجِبًا أَنْ يَنْخَرَهُ إِنْ كَانَ فِي حَيٍّ يَمْنَى حَيْثُ يَنْخَرُ النَّاسُ وَ إِنْ كَانَ فِي عُمَرَةٍ يَنْخَرُهُ بِمَكَّةَ فِي فَنَاءِ الْكَعْبَةِ وَ يَتَصَدَّقُ بِمِثْلِ ثَمَنِهِ حَتَّى يَكُونَ مُضَاعَفًا وَ كَذَلِكَ إِذَا أَصَابَ أَرْنَبًا أَوْ ثَعْلَبًا فَعَلَيْهِ شَاةٌ وَ يَتَصَدَّقُ بِمِثْلِ ثَمَنِ شَاةٍ وَ إِنْ قَتَلَ حَمَامًا مِنْ حَمَامِ الْحَرَمِ فَعَلَيْهِ دِرْهَمٌ يَتَصَدَّقُ بِهِ وَ دِرْهَمٌ يَشْتَرِي بِهِ عِلْقًا لِحَمَامِ الْحَرَمِ وَ فِي الْفَرَجِ نِصْفُ دِرْهَمٍ وَ فِي الْبَيْضَةِ رُبْعُ دِرْهَمٍ وَ كُلُّ مَا أَتَى بِهِ الْمُحَرَّمُ بِجَهَالَةٍ أَوْ خَطَاٍ فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ إِلَّا الصَّيْدُ فَإِنْ عَلَيْهِ فِيهِ الْفِدَاءُ بِجَهَالَةٍ كَانَ أَمْ يَعْلَمُ بِخَطَاٍ كَانَ أَمْ يَعْمَدُ وَ كُلُّ مَا أَتَى بِهِ الْعَدِيدُ فَكَفَّارَتُهُ عَلَى صَاحِبِهِ مِثْلُ مَا يَلْزَمُ صَاحِبَهُ وَ كُلُّ مَا أَتَى بِهِ الصَّغِيرُ الَّذِي لَيْسَ بِبَالِغٍ فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ فَإِنْ عَادَ فَهُوَ مِثْنٌ يَنْتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُ وَ إِنْ دَلَّ عَلَى الصَّيْدِ وَ هُوَ مُحَرَّمٌ وَ قُتِلَ الصَّيْدُ فَعَلَيْهِ فِيهِ الْفِدَاءُ وَ الْمُصْبِرُ عَلَيْهِ يَلْزَمُهُ بَعْدَ الْفِدَاءِ الْعُقُوبَةُ فِي الْآخِرَةِ وَ النَّادِمُ لَا شَيْءَ عَلَيْهِ بَعْدَ الْفِدَاءِ فِي الْآخِرَةِ وَ إِنْ أَصَابَ لَيْلًا فِي وَكْرِهِا خَطَاٍ فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ إِلَّا أَنْ يَتَصَدَّقَ فَإِنْ تَصَدَّقَ بِلَيْلٍ أَوْ نَهَارٍ فَعَلَيْهِ فِيهِ الْفِدَاءُ وَ الْمُحَرَّمُ الَّذِي يَنْخَرُ الْفِدَاءَ يَمْنَى حَيْثُ يَنْخَرُ النَّاسُ وَ الْمُحَرَّمُ بِالْعُمَرَةِ يَنْخَرُ الْفِدَاءَ بِمَكَّةَ قَالَ: فَأَمْرٌ أَنْ يَكْتُبَ ذَلِكَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَّا اخْتِصَاصًا: ۱۰۰؛ وسائل الشیعة: ۱۵/۱۳، باب ۳، حدیث ۱۷۱۱۸.

۲. عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ فَرَحَيْنِ مُسْرُولَيْنِ دَبَحْتُهُمَا وَ أَنَا بِمَكَّةَ مُجَلٌّ فَقَالَ لِي: لِمَ دَبَحْتُهُمَا؟ فَقُلْتُ: جَاءَتْنِي بِهِمَا جَارِيَةٌ قَوْمٍ مِنْ أَهْلِ مَكَّةَ فَسَأَلْتَنِي أَنْ أَدْبَحَهُمَا فَظَنَنْتُ أَنِّي بِالْكُوفَةِ وَ لَمْ أَذْكَرِ الْحَرَمَ فَدَبَحْتُهُمَا. فَقَالَ: تَصَدَّقْ بِثَمَنِيهِمَا، فَقُلْتُ: وَ كَمْ ثَمَنُهُمَا؟ فَقَالَ: دِرْهَمٌ خَيْرٌ مِنْ ثَمَنِيهِمَا. وسائل الشیعة: ۲۸/۱۳، حدیث ۱۷۱۵۲.

حتی حفظ تمام جانوران رعایت شده، تا جایی که برای قتل سوسمار یا خارپشت، کفاراتی در نظر گرفته شده است. و از قتل این گونه حیوانات و کوچک تر از این - تا رسد به شپش - جلوگیری شده است.

تا آنجا که برای تخم طیور، صیانت قائل شده، که اگر تخم پرنده ای را پایمال کند، درهمی باید کفاره دهد؛ زیرا این تخم، در روزگاری پرنده خواهد بود.

تا آنجا که در پاره ای از روایات، گوشزد نموده که اگر تخم پرنده ای را پایمال نموده یا شکسته و در آن، جوجه در حرکت بوده، باید برای هر تخمی که شکسته شده، یک گوسفند کفاره دهد. و اگر جوجه در آن به حرکت نیامده، باید صدقه ای داده و آن صدقه را دانه خریده تا برای کوتران حرم آذوقه باشد.

البته رعایت شئون حرم درباره قتل حیوانات، بیشتر مورد عنایت قرار گرفته، تا آنجا که کفاره صید در حرم و خارج آن، متمایز گشته است (۱).

عن منصور قال: حَدَّثَنِي صَاحِبُ لَنَا بَقَّةٌ قَالَ: كُنْتُ أُمْسِي فِي بَعْضِ طُرُقِ مَكَّةَ فَلَقِيَنِي إِنْسَانٌ فَقَالَ: اذْبَحْ لِي هَذَيْنِ الطَّيْرَيْنِ، فَذَبَحْتُهُمَا نَاسِيًا وَ أَنَا خَلَّالٌ ثُمَّ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: عَلَيْكَ الثَّمَنُ. وسائل الشيعة: ۲۸/۱۳، حدیث ۱۷۱۵۳.

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ محبوبٍ عَنْ أَبِي وَ لَاحِ الْخَطَّابِ قَالَ: خَرَجْنَا سِتَّةَ نَفَرٍ مِنْ أَصْحَابِنَا إِلَى مَكَّةَ فَأَوْقَدْنَا نَارًا عَظِيمَةً فِي بَعْضِ الْمَنَازِلِ أَوْقَدْنَا أَنْ نَطْرَحَ عَلَيْهَا لَحْمًا نَكْبِتُهُ وَ كُنَّا مُحْرِمِينَ فَمَرُّ بِنَا طَائِرٌ صَافٌ قَالَ خَمَامَةٌ أَوْ شَيْبُهُهَا فَاحْتَرَقَتْ جَنَاحَاهُ فَسَقَطَ فِي النَّارِ فَمَاتَ فَاعْتَمَنَّا لِذَلِكَ فَدَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِمَكَّةَ فَأَخْبَرْتُهُ وَ سَأَلْتُهُ فَقَالَ: عَلَيْكَ دَاءٌ وَاجِدْ دَمَ شَاةٍ تَشْتَرِكُونَ فِيهِ جَمِيعًا إِنْ كَانَ ذَلِكَ مِنْكُمْ عَلَى غَيْرِ تَعَمُّدٍ وَ لَوْ كَانَ ذَلِكَ مِنْكُمْ تَعَمُّدًا لَيَقَعَنَّ فِيهَا الصَّيْدُ فَوْقَ الْوَرَمِ كُلِّ رَجُلٍ مِنْكُمْ دَمَ شَاةٍ. قَالَ أَبُو وَلَاحِ: وَ كَانَ ذَلِكَ مِنَّا قَبْلَ أَنْ نَدْخُلَ الْحَرَمَ. وسائل الشيعة: ۴۸/۱۳، باب ۱۹، حدیث ۱۷۲۰۴.

۱. عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ - فِي حَدِيثٍ - قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ قَتَلَ خَمَامَةً، قَالَ: إِنْ قَتَلَهَا وَ هُوَ مُحْرِمٌ فَعَلَيْهِ شَاةٌ وَ قِيمَةُ الْخَمَامَةِ بِرَهْمٍ.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي رَجُلٍ قَتَلَ طَيْرًا مِنْ طَيْرِ الْحَرَمِ وَ هُوَ مُحْرِمٌ فِي الْحَرَمِ قَالَ: عَلَيْهِ شَاةٌ وَ قِيمَةُ الْخَمَامَةِ بِرَهْمٍ يَعْلِفُ بِهِ خَمَامَ الْحَرَمِ وَ إِنْ كَانَ قَرِخًا فَعَلَيْهِ حَمَلٌ وَ قِيمَةُ الْفَرَخِ بِنِصْفِ بِرَهْمٍ يَعْلِفُ بِهِ خَمَامَ

به راستی انسان از رقت و رأفت اسلام درباره حیوانات تعجب می کند. با مراجعه به کتب روایی از قبیل وسائل الشیعه « شیخ حر عاملی رحمته الله » میزان رعایت این جوانب بیشتر واضح می شود.

از ابو جعفر امام باقر علیه السلام سؤال می شود: در حرم خدا کبوتری به مردی هدیه داده شده که بال و پر او قیچی شده است، تکلیف این مرد چیست و با این کبوتر چه باید بکند؟ حضرت می فرماید:

« کبوتر را نکه دارد و پذیرایی کامل بنماید؛ آب و دانه اش بدهد و کمال مراقبت را در حق پرندۀ بال و پر شکسته بنماید، تا بال و پرش رشد کرده و قدرت پرواز پیدا کند، آنگاه او را رها کند تا آزادانه هر کجا که می خواهد ببرد »^(۱).

آری، « وَمَنْ دَخَلَهُ كَان آمِنًا »^(۲) در کنگره بزرگ اسلامی، باید مظاهر اسلام را مشاهده کرد^(۳)، و دقایق دین مبین را متوجه گشت و آیات بینات را از نظر گذراند تا بفهمیم ما کجاییم و ملامت گریبی کار کجا؟

خدایا، این غرب زدگی، روح ما را خفه کرد؛ ما به اروپائیان و غربی ها حسرت می بریم و در همه شئون حیاتی، آنان را مردمی رحیم و بیدار می دانیم؛ ما با کمال

الحرم

عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ مُحْرِمٍ قَتَلَ حِمَامَةً مِنْ حِمَامِ الْحَرَمِ خَارِجاً مِنَ الْحَرَمِ، قَالَ: عَلَيْهِ شَأٌ، قُلْتُ: فَإِنْ قَتَلَهَا فِي جُوفِ الْحَرَمِ؟ قَالَ: عَلَيْهِ شَأٌ وَ قِيمَةُ الْحِمَامَةِ وَسَائِلُ الشَّيْءِ: ۲۸/۱۳ - ۳۰، باب ۱۱، حدیث ۱۱۱۵۶، ۱۱۱۵۷، ۱۱۱۶۰.

۱. عَنْ رَجُلٍ أَمْدَى لَهُ فِي الْحَرَمِ حِمَامَةٌ مَقْصُوصَةٌ؟ فَقَالَ: اسْتَفْهَأَ وَأَحْسِنَ عِلْفَهَا حَتَّى إِذَا اسْتَوَى رِيشُهَا فَخَلَّ سَبِيلَهَا. الفقيه: ۲۶۰/۲، حدیث ۲۳۵۹؛ وسائل الشیعه: ۳۰/۱۳ - ۳۱، باب ۱۲، حدیث ۱۷۱۶۱.

۲. و هر که وارد آن شود در امان است. آل عمران (۳): ۹۷.

۳. « شیخ طوسی رحمته الله » می فرماید: اذا غنم المسلمون خيلاً للمشرکین ومواشیهم ثم أدرکهم المشرکون وخافوا أخذها منهم؛ لم یجز عقرها وقتلها. الخلاف: ۵۱۸/۵ - ۵۱۹.

تعجب می‌گوییم در اروپا جمعیت طرفدار حیوانات تشکیل شده! بیچاره ما که دانستنی‌های اسلام را فراموش کرده، آب در کوزه و ماگرد جهان می‌گردیم.

برای آنکه آزادگان دنیا بهتر به اسرار و لطایف اسلام آگاه شوند، روایت زیر را که در کتاب وسائل الشیعه آمده است نقل می‌نماییم:

« معاویة بن عمار » می‌گوید :

« سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ فِي مُحْرِمٍ اضْطَافَ طَيْرًا فِي الْحَرَمِ فَضَرَبَ بِهِ الْأَرْضَ فَقَتَلَهُ قَالَ: عَلَيْهِ ثَلَاثُ قِيَمَاتٍ: قِيَمَةٌ لِإِحْرَامِهِ، وَقِيَمَةٌ لِلْحَرَمِ، وَقِيَمَةٌ لِاسْتِصْغَارِهِ إِيَّاهُ ^(۱) .

در فراز آخر خوب دقت شود؛ شخصی محرم باید سه برابر قیمت حیوان سید شده لگدکوب شده به زمین خورده، کفاره بدهد و یک قسمت از این مقدار برای کوچک شمردن و پرندۀ بیچاره را زیون نمودن است.

این ما و این اسلام، این شما و این جمعیت طرفدار حقوق بشر. طرفداران حقوق بشر اگر راست می‌گویند، تبعیضات را در آمریکا برطرف کنند. دین ما که طرفدار هر ذی‌روحي است، حتی اگر شخصیت یک حیوان کوچک شکسته شود، مسلمانی که او را له کرده جریمه می‌شود. اما شما باید که شخصیت مسلمانان با شرافت جهان را درهم کوبیده و ارزش یک بمب را بیش از میلیون‌ها انسان آزاده می‌دانید، آن وقت با این حال شما طرفدار حقوق بشر و ما ملتی نیمه وحشی هستیم؟!

مسلمان وظیفه دارد در حرم خدا، اگر طایری را صید کرد از گوشتش نخورد،

و حق دور انداختن آن را ندارد ، و این کار جرم است و کفارہ دارد ، بلکه باید پرنده را دفن و لاشه او را از گزند حوادث محفوظ نماید ^(۱) .

همان حقی که برای مرده انسان هست ، برای این چنین پرنده ای هم در نظر گرفته شده است . آفرین بر اسلام .

شیوه رفتار با حیوانات

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله از صید طیور در شب نهی فرموده ؛ زیرا شب موقع استراحت است و همچنین از صید جوجه پرندگان تا قبل از بال و پر درآوردن ، نهی فرموده است ^(۲) .

امیرمؤمنان علی علیه السلام از کشتن حیوانی در مقابل حیوان دیگر که ناظر است و نگاه می نماید جلوگیری فرموده است ^(۳) .

در روایات ما ، از قتل حیواناتی که در پناه انسان زندگی می کنند ، مانند چلچله و طیور کوچک از قبیل گنجشک و همچنین از قتل هدهد نهی گردیده ^(۴) ، چنان که از

۱. وسائل الشیعة : ۱۰۲/۱۳ - ۱۰۴ ، باب ۵۵ .

۲. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: لَا تَأْتُوا الْفَرَخَ فِي أَشْجَانِهَا وَلَا الطَّيْرَ فِي مَنْامِهِ حَتَّى يُصْبِحَ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: وَمَا مَنْامُهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَقَالَ: اللَّيْلُ مَنْامُهُ فَلَا تَطْرُقُهُ فِي مَنْامِهِ حَتَّى يُصْبِحَ وَلَا تَأْتُوا الْفَرْخَ فِي عَشِيهِ حَتَّى يَرِيْشَ وَيَطِيرَ فَإِذَا طَارَ فَأَوْتِرْ لَهُ قَوْسَكَ وَأَنْصِبْ لَهُ فَخْذَكَ الْكَافِي: ۲۱۶/۶ ، حدیث ۲؛ التهذيب: ۲۲/۹ ، باب ۱ ، حدیث ۸۶؛ الاستبصار: ۶۵/۴ ، باب ۴۱ ، حدیث ۱۶؛ وسائل الشیعة: ۲۳۰/۲۳ - ۳۸۱ ، باب ۲۸ ، حدیث ۲۹۷۹۹ .

۳. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ: لَا تَذْبَحِ الشَّاةَ عِنْدَ الشَّاةِ وَلَا الْجُرُوزَ عِنْدَ الْجُرُوزِ وَهُوَ يَنْظُرُ إِلَيْهِ الْكَافِي: ۲۳۰/۶ ، حدیث ۷؛ التهذيب: ۸۰/۹ ، باب ۲ ، حدیث ۷۶؛ وسائل الشیعة: ۱۶/۲۴ ، باب ۷ ، حدیث ۲۹۸۶۸ .

۴. عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَجَى مُوسَى عليه السلام عَنِ الْهُدْهُدِ وَقَتْلِهِ وَذَبْحِهِ فَقَالَ: لَا يُؤْذَى وَلَا يُذْبَحُ فَيَنْفَعُ الطَّيْرُ هُوَ الْكَافِي: ۲۲۴/۶ ، حدیث ۲؛ التهذيب: ۱۹/۹ ، باب ۱ ، حدیث ۷۵؛ وسائل الشیعة: ۲۳۰/۲۳ ، باب ۴۰ ، حدیث ۲۹۸۳۱ .

قتل قُبْرَه - یعنی گنجشک کاکلی - و قرار دادن او در دست بچه برای بازی نهی شده است^(۱).

وقتی برای رسیدن به علت جلوگیری از ایذا و کشتن این گونه حیوانات، به روایات مراجعه می شود، دو تعبیر ملاحظه می گردد:

۱. در بعضی روایات تعبیر به «نِعَم الطیر»^(۲) شده است؛ چه خوب پرنده ای! این گونه تعبیرات برای تحریک روح های لطیف و احیای احساس مردم با وجدان است. پرنده زیبای کوچک نباید کشته شود.

این گونه تعبیرات در مراجع روح های خشن اثری ندارد.

۲. دومین تعبیر، این است که اینان مشغول تسبیح و تقدیس ذات اقدس الهی هستند^(۳).

موجودی که در این مقام است زندگی اش باید مورد احترام همه باشد.

در بعضی روایات از قول «لقمان حکیم» در مواعظش به فرزندش درباره مسافرت آمده است:

«هر جا که پیاده شدی، قبل از رسیدگی به خودت، حیوانات را ترو خشک کن و او را علف ده»^(۴).

۱. عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا تَأْكُلُوا الْقُنْزِرَةَ وَلَا تَسْبُوْهَا وَلَا تَغْطُوْهَا الصَّبِيَّانِ يَلْعَبُونَ بِهَا فَبِأَنِّهَا كَثِيرَةُ النَّسْبِ لِلَّهِ وَتَسْبِيحُهَا لَعَنَ اللَّهُ مُغْضِي آلِ مُحَمَّدٍ. الكافي: ۲۲۵/۶، حديث ۱؛ التهذيب: ۱۹/۹، باب ۱، حديث ۷۷؛ وسائل الشيعة: ۳۹۶/۲۳، باب ۴۰، حديث ۲۹۸۳۵.

۲. مانند حديث همد.

۳. چنان که در حديث قُبْرَه آمده است.

۴. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ: إِذَا سَافَرْتَ ... وَإِذَا قُرْبْتَ مِنَ الْمَنْزِلِ فَأَنْزِلْ عَنْ دَابَّتِكَ وَابْدَأْ بِخَلْفِهَا قَبْلَ نَفْسِكَ. الكافي: ۳۴۸/۸ - ۳۴۹، حديث ۵۴۷؛ الفقيه: ۲۹۶/۲ - ۲۹۷، حديث ۲۵۰۵؛ وسائل الشيعة: ۴۴۰/۱۱ - ۴۴۱، حديث ۱۵۲۰۸.

امام صادق علیه السلام نیز می فرماید :

« در مسافرت، به محض آنکه از مرکب خود پایین آمدید، اولین وظیفه، آب و علف دادن به آن است » (۱).

اسلام، از لعن کردن، زدن در صورت حیوان (۲) و داغ کردن و علامت گذاری نمودن در آن نهی نموده است (۳) حتی در پاره ای از احادیث، تعبیر به این شده که حیوان را قبیح المنظر نکنید (۴).

اسلام از اینکه بار سنگین و فوق طاقت، بر روی حیوان گذاشته شود جلوگیری فرموده است (۵).

از اینکه پشت حیوان را مجلس و نشیمن گاه قرار دهند - به طوری که حیوان بایستد و صاحبش بر آن سوار باشد و مثلاً با دیگری به گفتگو بپردازد - نهی شده است (۶).

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لِلدَّابَّةِ عَلَى صَاحِبِهَا سِتَّةٌ حَقُوقٌ لَا يُحْمَلُهَا فَوْقَ طَاقَتِهَا وَلَا يَتَّخِذُ ظَهْرَهَا مَجَالِسَ يَتَحَدَّثُ عَلَيْهَا وَيَبْنُو بِعَلْفِهَا إِذَا نَزَلَ وَلَا يَتَشَبَّهُ فِي وَجْهِهَا وَلَا يُضْرَبُ بِهَا فَإِنَّهَا تُسَبِّحُ وَيَغْرَضُ عَلَيْهَا الْمَاءَ إِذَا مَرَّ بِهَا. الكافي: ۵۳۷/۶، حديث: ۱؛ التهذيب: ۱۶۴/۶، باب ۷۷، حديث: ۴؛ وسائل الشیعة: ۴۸۰/۱۱، باب ۹، حديث: ۱۵۳۱۰.

۲. قَالَ عَلِيُّ عليه السلام فِي الدَّوَابِّ: لَا تَضْرِبُوا الْوُجُوهُ وَلَا تَلْعَنُوهَا فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَعَنَ لَعْنَهَا. الفقيه: ۲۸۷/۲، حديث: ۲۴۶۹؛ وسائل الشیعة: ۴۸۳/۱۱، باب ۱۰، حديث: ۱۵۳۲۰.

۳. وَفِي حَدِيثٍ آخَرَ: لَا تَسِمُوهَا فِي وَجْهِهَا. الكافي: ۵۳۸/۶، حديث: ۴؛ وسائل الشیعة: ۴۸۲/۱۱، باب ۱۰، حديث: ۱۵۳۱۷.

۴. وَفِي حَدِيثٍ آخَرَ: لَا تُقَبِّحُوا الْوُجُوهُ. الفقيه: ۲۸۷/۲، حديث: ۲۴۶۹؛ وسائل الشیعة: ۴۸۳/۱۱، باب ۱۰، حديث: ۱۵۳۲۱.

۵. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لِلدَّابَّةِ عَلَى صَاحِبِهَا سِتَّةٌ حَقُوقٌ لَا يُحْمَلُهَا فَوْقَ طَاقَتِهَا... الكافي: ۵۳۷/۶، حديث: ۱؛ التهذيب: ۱۶۴/۶، باب ۷۷، حديث: ۴؛ وسائل الشیعة: ۴۸۰/۱۱، باب ۹، حديث: ۱۵۳۱۰.

۶. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَا تَتَوَرَّكُوا عَلَى الدَّوَابِّ وَلَا تَتَّخِذُوا ظُهُورَهَا مَجَالِسَ. الكافي: ۵۳۹/۶، حديث: ۸؛ الفقيه: ۲۸۷/۲، حديث: ۲۴۷۱؛ وسائل الشیعة: ۴۸۱/۱۱، باب ۹، حديث: ۱۵۳۱۳.

در بعضی روایات آمده که علی بن الحسین علیه السلام چهل سفر حج کرد و شتری مرکب او بود و در تمام این اسفار تازیانه‌ای به آن شتر نزد (۱).

امام زین العابدین علیه السلام در یکی از سفرها چوبی که در دست داشت را بلند نمود و به حیوان اشاره کرد که حیوان را آزار دهد. بعد از بلند کردن چوب، آه گرمی از دل لطیف و مهربانش بیرون آمد و فرمود: «آه از قصاص و انتقام». چوب را فروآورد و از زدن حیوان منصرف گشت (۲).

نگهداری حیوانات، خیلی مورد تأیید است و حتی در روایات اشاره شده است که شما حیوانات را نگه دارید، بخدا روزی آن‌ها را می‌رساند (۳). مخصوصاً اسب که تمامش خیر و برکت است.

چنان‌که در نگهداری اغنام، تأکید بیشتری شده تا آنجا که در نگهداری اسب برای بقای خوشی و سرور و رفع گرفتاری‌ها و قسای پاره‌ای از حوایج، تأثیر مفیدی قائل شده‌اند (۴).

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: حَجَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام عَلَى نَاقَةٍ لَهُ أَوْبَعِي حَبَّةً فَمَا قَرَعَهَا بِسَوْطٍ. الفقيه: ۲۹۳/۲، حدیث ۲۴۹۴؛ وسائل الشیعة: ۴۸۳/۱۱، باب ۱۰، حدیث ۱۵۳۲۳.

۲. عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: حَجَّجْتُ مَعَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام فَالْتَأَثْتُ عَلَيْهِ النَّاقَةُ فِي سَفَرِهَا فَأَشَارَ إِلَيْهَا بِالْقَضِيبِ ثُمَّ قَالَ آه لَوْلَا الْقِصَاصُ وَرَدُّ يَدِهِ عَنْهَا. الارشاد: ۱۴۴/۲؛ وسائل الشیعة: ۴۸۵/۱۱، باب ۱۰، حدیث ۱۵۳۲۹.

۳. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: اشْتَرِ نَائَةً فَإِنَّ مَنَفْعَتَهَا لَكَ وَرِقْفَهَا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. الكافي: ۵۱۶/۶، حدیث ۴؛ وسائل الشیعة: ۴۶۳/۱۱، باب ۱، حدیث ۱۵۲۶۴.

۴. الكافي: ۵۳۷/۶، حدیث ۹؛ التهذيب: ۱۶۴/۴، باب ۷۷، حدیث ۳؛ الفقيه: ۲۸۹/۲، حدیث ۲۴۷۹؛ وسائل الشیعة: ۴۶۳/۱۱، باب ۱، حدیث ۱۵۲۶۳.

عَنْ أَبِي الْحُسَيْنِ عليه السلام: مَنْ رَبَطَ قَرَسًا عَتِيقًا مُحِيتَ عَنْهُ ثَلَاثُ سِنِينَ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَكُتِبَ لَهُ إِحْدَى عَشْرَةَ حَسَنَةً وَمَنْ أَرْبَطَ حَمِينًا مُحِيتَ عَنْهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ سِنَتَانِ وَكُتِبَ لَهُ سَبْعُ حَسَنَاتٍ وَمَنْ أَرْبَطَ بِرْذُونًا يُرِيدُ بِهِ جَمَالًا أَوْ قِصَاصًا حَوَانِجَ أَوْ دَفَعَ عَنْهُ عَدُوٌّ عَنْهُ مُحِيتَ عَنْهُ كُلُّ يَوْمٍ سِنِيَّةٌ وَاحِدَةٌ وَكُتِبَ لَهُ سِتُّ حَسَنَاتٍ. الكافي: ۴۸/۵، حدیث ۴؛ الفقيه: ۲۸۵/۲، حدیث ۲۴۶۱؛ وسائل الشیعة: ۴۷/۱۱، باب ۴، حدیث ۱۵۲۸۷.

در پاره‌ای از روایات است که اگر کسی اسب اشقر اغر^(۱) نگهداری کند فقر و حیف در خانه‌اش راه نمی‌یابد^(۲).

در نگهداری از گوسفند نیز بسیار تأکید شده، تا آنجا که در پاره‌ای از روایات است که اگر کسی گوسفند در خانه داشته باشد، فقر از آن خانه ریشه کن می‌شود^(۳). در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است:

« یَسِّرُ الْاِکْرَامَ صلی الله علیه و آله به عمة خود فرمود: چرا اسباب برکت را در خانه خود فراهم نمی‌سازی؟ عرض کرد: یا رسول الله، اسباب برکت چیست؟ فرمود: گوسفند شیرده یا گاو شیرده^(۴)».

همچنین داشتن کبوتر در منزل شرعاً بسیار نیکو است^(۵) چنان‌که به فرموده امام صادق علیه السلام کبوتر از طیور انبیا است^(۶) و کبوتران حرم الهی، باقمیانده کبوتران

۱. اسب سرخ‌رنگ سفیدپشانی.

۲. عَنْ أَبِي الْحَسَنِ علیه السلام: مَنْ رَبَطَ فَرَسًا أَشَقْرًا غُرًّا أَوْ أَقْرَحَ... لَمْ يَدْخُلْ بَيْتُهُ فَقْرٌ مَا دَامَ ذَلِكَ الْفَرَسُ فِيهِ وَمَا دَامَ فِي مِلْكٍ صَاحِبِهِ لَا يَدْخُلُ بَيْتُهُ حَيْفٌ. الفقیه: ۲۸۴/۲ - ۲۸۵؛ وسائل الشیعة: ۴۷۷/۱۱، باب ۷، حدیث ۱۵۳۰۰.

۳. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِذَا اتَّخَذَ أَمَلٌ بَيْتَ شَاءَ أَتَاهُمْ اللَّهُ بِرِزْقِهَا وَزَادَ فِي أَرْزَاقِهِمْ وَارْتَحَلَ الْفَقْرُ عَنْهُمْ مَرْحَلَةً فَإِنْ اتَّخَذَ شَاتَيْنِ أَتَاهُمُ اللَّهُ بِأَرْزَاقِهِمَا وَزَادَ فِي أَرْزَاقِهِمْ وَارْتَحَلَ الْفَقْرُ عَنْهُمْ مَرْحَلَتَيْنِ فَإِنْ اتَّخَذُوا ثَلَاثَةً أَتَاهُمُ اللَّهُ بِأَرْزَاقِهِمْ وَارْتَحَلَ الْفَقْرُ عَنْهُمْ رَأْسًا. الکافی: ۵۴۴/۶، حدیث ۲؛ وسائل الشیعة: ۵۰۹/۱۱، باب ۲۹، حدیث ۱۵۳۹۲.

۴. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لِعَمَّتِهِ: مَا يَمْنَعُكَ أَنْ تَتَّخِذِي فِي بَيْتِكَ بَرَكَةً؟ قَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا الْبَرَكَةُ؟ قَالَ: شَاءَ تَحْلُبِ فَإِنَّهُ مَنْ كَانَ فِي نَارِهِ شَاءَ تَحْلُبِ أَوْ نَعْجَةً أَوْ بَقَرَةً تَحْلُبِ فَبَرَكَاتٌ كُلُّهُنَّ. الکافی: ۵۴۵/۶، حدیث ۷؛ وسائل الشیعة: ۵۱۱/۱۱، باب ۳۰، حدیث ۱۵۳۹۶.

۵. وسائل الشیعة: ۵۲۴/۱۱ - ۵۱۸، باب ۳۱.

۶. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: الْحَمَامُ طَيْرٌ مِنْ طُيُورِ الْأَنْبِيَاءِ الَّتِي كَانُوا يُمَسِّكُونَ فِي بُيُوتِهِمْ. الکافی: ۵۴۷/۶، حدیث ۸؛ وسائل الشیعة: ۵۱۶/۱۱، باب ۳۱، حدیث ۱۵۴۱۴.

حضرت اسماعیل علیه السلام هستند^(۱).

کبوتر، موجب رفع وحشت و اضطراب از صاحب خانه می شود^(۲).
همچنین در منزل نبی اکرم صلی الله علیه و آله کبوتر سرخ بوده^(۳) و شاید نگهداری کبوتر قرمز رنگ، مؤکدتر باشد.

«ابو حمزه» می گوید:

«نوه دختری من، کبوتران زیادی داشت و من روزی غضب کرده تمام را سر بریدم. بعد به مکه رفتم. در خانه امام باقر علیه السلام کبوتران زیادی دیدم، داستان خود را برای حضرتش شرح دادم. فرمود: «کار بسیار بدی کردی»^(۴).

این ها نمونه ای از احکام اسلام درباره طرز رفتار با حیوانات بود و عنایتی که اسلام به این موجودات ذی روح دارد.

آری، اسلام می خواهد مردم، نمونه ای از تمام کمالات و فضایل باشند؛ سراپای آدمی فضیلت گردد و انوار فضیلت و انسانیت او همه جا را روشن سازد و انسان، سمیع، بصیر، علیم، رئوف، رحیم، توانا و دانا باشد.

این شیوه طرف داری که اسلام نسبت به حیوانات داشته و مسلمانان را به عنایت

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّ أَضَلَّ حِمَامٍ الْحَزَمِ بَقِيَّةَ حِمَامٍ كَانَ لِإِسْمَاعِيلَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام... الكافي: ۵۴۶/۶.

حدیث ۳: وسائل الشیعة: ۵۱۴/۱۱، باب ۳۱، حدیث ۱۵۴۰۹.

۲. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: شَكَرَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله الْوَحْشَةَ فَأَمَرَهُ أَنْ يَتَّخِذَ زَوْجَ حِمَامٍ. الكافي:

۵۴۶/۶، حدیث ۶: الفقیه: ۳۵۰/۳، حدیث ۴۲۲۸: وسائل الشیعة: ۵۱۶/۱۱، باب ۳۱، حدیث ۱۵۴۱۷.

۳. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: كَانَ فِي مَنْزِلِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله زَوْجٌ حِمَامٍ أَحْمَرُ. الكافي: ۵۴۸/۶، حدیث ۱۶:

وسائل الشیعة: ۵۲۰/۱۱، باب ۳۴، حدیث ۱۵۴۲۹.

۴. عَنْ أَبِي حَظْرَةَ قَالَ: كَانَ لِابْنِ ابْنَتِي حِمَامَاتٌ فَذَبَحْتُهُنَّ غَضَبًا ثُمَّ خَرَجْتُ إِلَى مَكَّةَ فَدَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فَرَأَيْتُ عِنْدَهُ حِمَامًا كَثِيرًا فَأَخْبَرْتُهُ وَحَدَّثْتُهُ أَنِّي ذَبَحْتُهُنَّ فَقَالَ: يَشَسُّ مَا صَنَعْتَ. وسائل الشیعة:

۵۲۱/۱۱، باب ۳۴، حدیث ۱۵۴۳۱.

در حق آن موجودات مسخرشده وی وادار نموده است ، تماماً برای این است که ارزش و حدّ موجودیت انسان بالا رود و مدار زندگی اش دور از فضاهاى کثیف بی عاطفگی و خون‌خواری و استثمار واقع گردد .

آیا چنین مذهبی که این قدر در طرز و روش انسان و مسلمانان دقت دارد ، خون‌ریزی را رومی دارد ؟!

آیا پایمال کردن دیگران برای رسیدن به امیال نفسانی و اغراض خصوصی پست را رومی شمارد ؟!

آیا جنگ و قتل و غارت را تجویز می کند ؟! کلاً و حاشا .

پس اینک ببینیم این جنگ‌هایی که در اسلام صورت گرفته چه بوده ؟ و این کشتن افراد بسیار ، چه مجوز و محلی داشته ؟ و اصولاً جهاد در اسلام برای چیست ؟